

پیشینه لسانی پنجاب

احمد شهزاد*

محمد احسان**

چکیده:

تاریخ زبان پنجابی آن قدر قدیم است طوری وجود انسان در پنجاب قدیم است. از هزارها سال پیش قبیله ها و قوم های مختلف اینجا آباد بوده اند مثلاً نیگتر تیو، آسترگ و دراور و غیره، زبانهای ایشان به زبان پنجابی تاثیر لسانی گذاشت. به همین سبب می توان اثرات لسانی مندری، دراوری، پالی، عربی و فارسی به زبان پنجابی به طور واضح به صورت واژگان مشترک دیده. سن لسانی زبان از سن ادبی آن بیشتر است. زبان پنجابی از هزارها سال موجود بود. اما با قاعده مواد ادبی از قرن های دهم و یازدهم پیدا شده است. در سرزمین پنجاب از سال ۱۰۲۱م الی سال ۱۸۴۹م زبان فارسی را خیلی اهمیت بوده است بلکه در آن بیشتر مدت آن است که این زبان حیثت ملی داشته است. به همین سبب زبان فارسی به نسبت زبان های دیگر اثرات لسانی خیلی عمیق داشته است. در این مقاله تحقیقی پیش نظر داشتن پیشینه لسانی پنجاب، اثرات لسانی به زبان پنجابی به نسبت زبانهای دیگر به خصوص زبان فارسی مفصل ذکر شده است.

واژه های کلیدی: زبان، پنجابی، فارسی، تاثیر لسانی، سرزمین پنجاب، دیگر.

* دانشجوی دوره دکتری گروه زبان و ادبیات پنجابی، دانشگاه پنجاب، لاهور

** دانشجوی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پنجاب، لاهور

پنجاب در زمانهای مختلف، مختلف نام داشت این را سپت سندهو، واهیک، تت گو (Thatagus)، پی تو، اندیز، اویچی، پانتو (Panto)، پی تی پوتاموس (Pette Potamos) پونتامیا (Puntamia) و پنج ندهم می گفتند. (آصف خان، محمد بی تا، صص ۳۶، ۳۹، ۱۸۹، ۱۹۰) پنجاب از آغاز مرکز قبیله ها و قوم ها بوده، پیش از ورود مسلمانان، قبیله ها و قوم های آریا، هخامنشی، یونانی، باختری، تسک، کشان و هون اینجا مستقر بودند (احمد شهزاد، ۲۰۱۹م، ص ۹). پنجاب نخستین نشانه مهاجمین بود، به همین سبب قدرتاً مردم پنجاب روبروی مختلف قبیله ها شدند (همو، ۲۰۱۹م، ص ۳۸) تاریخ زبان پنجابی همان قدر قدیم است، طوری وجود انسان در سرزمین پنجاب قدیم است. زبان را شکل بخشیدن و در ارتقای آن، این همه عوامل و عناصر روی بکار آمدند. از آنان خود پنجاب تاریخش نوشته شده است و این تاریخ خیلی قدیم و رنگ برنگی است. دعوی محققین است که انسان حقیقی نخستین بار در سرزمین پنج رود خانه به منازل ارتقا رسید. (فرید کوتی، عین الحق، ۲۰۲۰م، ص ۳۴)

تاریخ نویس دکتر رادها کمود مکرچی در سال ۱۹۴۰م در مجلس لاهور، در جلسه سالانه تاریخ، در خطبه صدارتی اش به حواله آقای بیرل (Barrel) طبقات الارض شناس گفته است که در آخر سومین دور ارضیاتی (Niocense) تقریباً یک و نیم میلیون سال پیش) انسان و همالیه هر دو باهم در این سرزمین به ظهور آمدند. مردم شناس آقای ایلین سمتھ (Elliot Smith) در جلسه مردم شناسی دعوی کرد که در سومین دور ارضیاتی در منطقه شمالی شبه قاره پاکستان و هند یعنی در پنجاب، اجداد انسان فعلی ساکن بودند (همو، همانجا)، به حواله پیشینه تاریخی زبان پنجابی

محمد آصف خان این موضوع را با پنجاب پیوند داده است:

”به مطابق من، انسان روی سرزمین پنجاب وقتی نخستین بار صحبت کرد، آن زبان پنجابی بود. در زمانهای مختلف گروه های مختلف لسانی مدام به اینجا می آمدند. کلمات آنها به زبان محلی نیز تاثیر گذاشتند. مندا، دراور، آریا و گروه های قوم دیگر اینجا آمدند. آنان در لغت زبان پنجابی سهم خود شان را ادا کردند.“ (آصف خان، محمد، ۲۰۱۴م، ص ۴۴)

در مناطق کوهستانی پنجاب قدیم ترین آثار انسان مانند میمون به وجود آمده اند. محققین آنان را به نسبت پنجاب، نام پنجاب دروپتهی کس (Punjab Drobothecus) داده اند. (فرید کوتی، عین الحق، ۲۰۲۰م، ص ۳۴) محمد آصف خان آنان را Punjab Drypithicus نوشته است (آصف خان، محمد، ۲۰۱۴م، صص ۴۸-۴۹). این آثار تقریباً یک و نیم میلیون سال قدیم به شمار می روند. به همین سبب آثار مناطق کوهستانی پنجاب را Rama Pithicus نام داده اند، سن ایشان چهارده میلیون سال گفته می شود. از آثار وادی سوان، دکتر دی این وادیا، دی تیرا (De Terra) و تی. تی. پیترسون (Petterson T T). به این نتیجه رسیده اند که اینجا نشان وجود انسانی از دومین دور برفانی شروع می شود. اینجا دو نوع مردم زندگی می کردند: بعضی سلاح سنگی و بعضی تبر بکار می بردند (Sankalia H.D, 1962, P.4) اما تا هنوز ما جواب این سوال نداریم که انسان دور برفانی یا پیش از آن از کدام گروه لسانی بود.

یک محقق معروف فرانسه هنری ولانس (Henri V. Vallias) با مشاهده آثار وادی سوان به این نتیجه رسیده است که اولین انسان واقعی در سرزمین پنجاب نفس

کشیده بود، چند سال پیش مردم شناس روسی پرفسور بورس کووسکی (P. Boriskovsky) در مقاله تحقیقی خودش نوشته است:

”نخستین آثار انسان مانند میمون که غالباً حیث اجداد انسان امروز دارند از سرزمین هندوستان شمالی و همسایه آن پاکستان (یعنی پنجاب) پیدا شدند. (احمد شهزاد، ۲۰۲۰م، ص ۳۵)

تا هنوز از حفاری پایه های سرای کهولا (تیکسلا) سه لایه معلوم شده است. نخستین لایه از منطقه وادی سند هم قدیم است. دومین لایه کوت دیچی (سند) دارد و سومین لایه از ۲۵۰۰ ق م است. ایم-اے حلیم حفار شناس پایه این لایه را جمجمه واسکلت پیدا شدند. آلمانی دکتر پرن هارد متخصص قومیت با تجزیه و تحلیل ۴۷ نمونه گفته است که از آنان ۵۰ درصد جمجمه، از قوم جمجمه مدور هستند و دیگر از قوم جمجمه بلند هستند و گروه های دیگر. دکتر برن هارد بعد از این تجزیه چند محققین مردم سرای کهولا را با آستریک، دراوریان یا گروه های قومی پیوند داده است (آصف خان محمد، ۲۰۱۴م، صص ۴۸، ۴۹)، بعد از سرای کهولا به دست آمدن از حفاری هرپه نوبت اسکلت های انسانی، کله ها، سکه ها و عکسها می آید. از لایه های مختلف هرپه حدوداً چهارتا پنج گروه انسانی متعلق به نژاد های مختلف شناسایی شده است. درباره هرپه حدوداً ۲۵۰۰ ق م تخمین زده می شود (Mortimer Wheeler, 1953 P.90-93) و بعضی از مردم شناسان ۴۰۰۰ ق م هم نوشته اند. (K.N. Shastri, 1957)

ما به نظر گرفتن تمام موارد فوق، می توانیم این بگویم که در پنجاب مکمل تسلسل ارتقای تاریخ انسانی موجود است. باخواندن نوشته های مردم شناسان این

نتیجه به دست می آید که در پنجاب اول نیگرتیو، سپس آسترگ، سپس دراود و در آخر آریه آمده بودند. در شبه قاره پاکستان و هند هر قوم و قبیله که آمد، پنجاب نخستین هدف ایشان بوده است. فرهنگ و تمدن، زبان، آئین و رسوم پنجاب از هر نظر تحت تاثیر مهاجمان قرار گرفته است. در پنجاب آن وقت لهجه ای که در زبان پنجابی صحبت می شد. این قوم و قبیله به آن تاثیر شان می گذاشتند.

It is historical-fact that India through the ages remained a farget of foreign invasions and the first area to face most of them was Punjab. While the swords of invaders kept on changing the geographical and political aspects of the land of five rivers, their language which for a very long time was foreign influenced the local language. (S.N. Java, P.46)

از تحلیل و بررسی زبان های قدیم شبه قاره پاکستان و هند معلوم می شود که پیش از آمدن آریایی ها اینجا دور دوره سه مختلف محافل لسانی بود. نخستین زبانهای کوهستانی مانند تبتی و برمی سلسله آنان از لداخ شروع می شود، با سلسله کوهستان شمالی شبه قاره، به برما، سیام اتام و هندی چینی رسیده است. در این مناطق لداخ، کماها، نیپال، بهوتان، سکم و ناگا شامل هستند. در ذخیره واژگان ما برخی از کلمات این گروه دیده می شود. اما به طور کلی در مطالعه لسانی زبانهای ما، این گروه جای خاص ندارد.

دومین زبانهای قبیله های بهیل، کول و سنتھالی و غیره هستند. آنان را به نام محافل مندا می دانند. از تحلیل و بررسی زبانها معلوم می شود که این گروه را به حواله زبانها به محافل دراوری فوقیت است. در شبه قاره قبیله مندا پیش از دراورها موجود بود. فرهنگ نال آمری که از فرهنگ هر په هم قدیم بود، آن را با گروه مندا پیوند داده می شود در ذخیره واژگان منداری و پنجابی مثال های مشترک بینید.

(احمد شہزاد، ۲۰۲۰م، صص ۵۲-۵۱)

اردو	پنجابی	منڈاری
جسم	دیہہ	دیہہ
سر	مُنڈی	منڈی
پاؤں	کھُر	کھُری
کانوں کا زیور	مندرے	مندرا
ناک کا زیور	نتھ	نتھ
بہتہ	آوا	آوا
گاگر	گاگر	گاگرا
وقت سے پہلے	اگیترا	اگوتر
غبار	دُھوڑ	دُھوڑ
تلاش کرنا	لوڑنا	لوڑنا

سومین گروہ لسانی با زبانهای وابسته گروه دراوری است. مردم از نژاد دراور تقریباً ۳۵۰۰ قبل مسیح در هندوستان آمدند (شرف الدین اصلاحی، ۱۹۷۶م ص ۵). در عصر حاضر زبانهای وابسته با این گروہ لسانی در مناطق جنوبی هند رایج هستند. در بلوچستان زبان قبیلہ های براهوی نیز یک سلسلہ این تسلسل است. تامل، تلگو، ملیالم، کناری و گوندی وغیرہ مهمترین شاخہ های آن هستند. مثالهای واژگان مشترک از کلماتِ ذخیرہ زبانهای پنجابی و دراوری نگاه کنید. (احمد

شہزاد، ۲۰۲۰م، صص ۸۹-۶۲)

معنی	پنجابی	معنی	دروازی زبانان و چ پرچلت عام شبد
لکڑی چیرن والا آلہ	آری	کننا	آری
نکی ٹوکری	گوٹا	نکی ٹوکری	کوٹا
رسی	ڈور	رسی	ڈار
بوہا	کھڑک	بوہا	کڑک
دھاگہ	تند	دھاگہ	تنتو
دستپناہ	چمٹا	دستپناہ	چمٹا
باری	کھڑکی	کھڑی، باری	کٹکی
جتی	کھیڑی	جتی	کیری
آڑھیتہ، بازاری	دلال	آڑھیتہ	دلال

بعد از دراورها در پنجاب آریایی آمدند. آریایی پیش از ۲۵۰۰ ق. م به سرزمین آبابی آباد شده بودند و در میان ۱۸۰۰ - ۱۶۰۰ ق. م در پنجاب آمده بودند (Gordon Childe, 1926, P. 79) آریایی هم با زبان خودشان آمدند، آنان را نام ویدی داده می شود. زبان ویدی آن زبان است که در آن می توان بخش جادوهای رگ وید، سام وید، یجروید و نخستین بخش اتھروید را شمار کرد. بعد از ویدی نوبت سانسکرت می آید. بعضی محققین سانسکرت را موجد زبانهای آریایی جدید قرار می دهند. گفتار سانسکرت با تغییر به پراکرت تبدیل شد. این پراکرت بعداً به "اپ بهرنش" تبدیل شد. از آن زبان های جدید هند آریایی پیدا شدند. در پنجاب پنجابی، درسند سندی، در بنگال بنگالی و غیره. زمان زبان های هند آریایی از ۱۵۰۰ ق. م تا اکنون دانسته می شود. از آن، سانسکرت حیث اساسی دارد. مثال های واژگان مشترک سانسکرت و پنجابی بنید. (احمد شهزاد، ۲۰۱۹ م، صص ۷۲-۶۸)

پنجابی	سنسکرت	اردو
مُٹھ	مُٹھ	مُٹھی
جنگھ	جنگھ	جنگھ
امان	امبا	مان
پُتر	پُترہ	بیٹا
دوہترا	دوہترا	نواسا
ننان	نناندری	نند
بھوئیں	بھومی	زمین
اگ	اگنی	آگ
چن	چندر	چاند
پورب	پورو	مشرق
گاوں	گؤ	گائے
پندہ	پندہ	سفر
پتیت	پتیت	تسلی
کھیر	کشیر	دودھ، کھیر

اینجا باید این چیز را هم یاد داشته باشیم که زبانی را ما نام پنجابی داده ایم، در گذشته نامهای محلی اش داشتیم. طوری درسند آن را سرائیکی، در پشاور هندکو، در جمون کوهستانی و گوجری، در مناطق نزدیکی دهلی پوادهی گفته می شود. همینطور نامهای دیگر محلی داریم، طوری که هندی، ملتانی، ریاستی، پوتوهاری، دهنی، ماجھی، ملوایی، دو آبی وغیره. شاعران پنجابی آن را هندی یا هندوی نیز گفته اند (آصف خان، محمد، بی تا، ص ۱۸۰)، از زبانهای قبل مسیح

زبان پالی، زمانی اطراف تیکسلا صحبت می شد (Grierson, G.A, 1917 P. 117)
مثالهای واژگان مشترک به حواله پالی و زمان قبل مسیح پنجابی نگاه کنید (احمد
شهزاد، ۲۰۲۰م، صص ۱۴۹-۱۵۱).

پنجابی	پالی
ناچ	ناچ
کم	کم
راکھی	رکھا
نٹو	نٹ
کھنڈو	کھنڈ
دیورو	دیئور
کھیت	کھیت
کدال	کدال

ما بهترین شواهد منطقه پوتوهار پنجاب پالی داریم. آن ست نیات (Sutta
Nipata) یک قدیم ترین کتاب بده مت است که در زبان پالی نوشته شده است و
زمان تالیفش تقریباً ۲۵۰۰ سال قدیم است (همو، ۲۰۲۰، ص ۱۵۰). همین طور
وقتی سکندر یونانی در وادی سند آمد، واژه گان یونانی در زبان پنجابی نیز وارد
شدند.

در سال ۱۱۷ م/۲۹۱ ق به وجه لشکر کشی دیبل محمد بن قاسم در تاریخ
نخستین بار اساس روابط عرب و هند استوار شد. از دیبل تا ملتان این همه مناطق زیر
تسلط دولت عرب مسلمانان شد. عربها در سند زبان خودشان را رایج کردند که آن
زبان دولتی سراسر دره شد (مظهر معین، ۲۰۰۳م، صص ۳۶.۴۱)، پاکستان

(مکران، سند، ملتان وغیره) زمان دولتِ عربها (۱۰۲۵ - ۶۶۴م) تقریباً چهار صد سال زبان عربی به حیث زبان دولتی و آموزشی رایج بود و در آغاز زمان غزنوی (۱۱۸۶ - ۹۹۸م) زبان غربی را از لاهور تا کابل حیث زبان دولتی و عربی بوده است. بعد از فتح سند به دست محمد بن قاسم مردم این مناطق از روایت های فاتحین خودشان تاثیر گرفتند. مردم بومی برای احتیاجهای مذهبی زبان عربی را یاد می گرفتند و در زبانهای محلی رسم النخط عربی رایج شد. زبان پنجابی هم مانند زبانهای دیگر از زبان عربی تاثیر گرفت، در آن هم رسم النخط عربی رایج شد و واژگان عربی بخصوص واژگان مذهبی همانطور بکار برده می شدند (محمد جاوید، ۲۰۱۰م، صص، ۲۵۰-۲۴۹)، مثالهای واژگان مشترك زبانهای پنجابی و عربی را بنید (احمد شهزاد، ۲۰۲۰م، ۱۷۶-۱۷۳).

عربی	پنجابی
قانون	کنون
صوفی	صوفی
آدم	آدم
ابلیس	ابلیس
اجر	اجر
انسان	انسان
تسبیح	تسبی
مجلس	مجلس
وضو	وضو
بیعانه	بیانه
تحقیق	تحقیق

حقیقت این است که در زمان عربها در قرن هشتم میلادی ملتان مرکز فرهنگ و تمدن و ادب شد. وقتی سلطان محمود غزنوی در پنجاب حکومت تاسیس کرد. لاهور به نسبت ملتان مهمترین مرکز فرهنگی و ادبی شد. تعداد زیاد از مبلغان، شاعران، مولفان و بازرگان در لاهور جمع شدند. زبان محلی (پنجابی) از زبانهای فارسی و عربی واژه های جدید گرفت و آن را به نام هندوی و لاهوری می گفتند (S.N. Java, P.46). مدتی پنجاب، ایران را خراج تحسین پیش کرده است و فرهنگ و زبان فارسی، فرهنگ و زبان هند را تاثیر کرد. اما از همه بیشتر سرزمین پنجاب تاثیر گرفت.

اگرچه این هم حقیقت است که غزنوی، ترك بودند و ترکی صحبت می کردند. افغان پشتو و فارسی صحبت می کردند. پادشاهان مغل ابتدایی در ترکی نیز صحبت می کردند. در زمان دولتمرد سیک مهاراجه رنجیت سنگ زبان فارسی، زبان عدالتی بود، زبان فارسی به نسبت زبانهای دیگر بیشتر به زبان پنجابی تاثیر گذاشت (همو، همان). اول ملتان مرکز تعلیمات اسلامی بود. بعداً این مرکز از لاهور به دهلی منتقل شد. همینطور زبانهای فارسی و عربی اول به زبانهای سندی و ملتانی وارد شدند، بعداً در پنجابی وارد شدند.

در زمان قبل مسیح ما را روابط ایران و پنجاب هم دیده می شود. دارا پادشاه ایرانی ۴۸۵ - ۵۲۱ (قبل از مسیح) برای فتح کردن مناطق مختلف برنامه بزرگ را ترتیب داد. بعد از آن لشکر کشی به مناطق مختلف، تا منطقه رودخانه جهلم در سلطنت خود شامل کرد. در آن زمان ایران ۳۷ استان داشت، از آنان یکی پنجاب بود (اقبال صلاح الدین، ۱۹۸۸م، ص ۶۳). پنجاب به وجه بخش سرزمین دولت ایرانی حتماً از زبان فارسی تاثیر گرفته باشد. دومین بزرگترین دور محمود غزنوی

است که زبان فارسی تاثیر خود را گذاشت. بعداً محمود غزنوی لاهور را يك بخش دولتش قرارداد. وابستگی دولت غزنوی با سرزمین لاهور اساسِ تاثیر زبان فارسی به زبان پنجاب شد. این وابستگی در سال ۱۰۲۱م شده بود (هاشمی فرید آبادی سید مائر، ۱۹۷۶ ص ۶۴) با این تاثیر زبان پنجابی هم در پنجاب گفتاری و نوشتاری خودش تبدیل کرد.

Briefly we can deduce that in the seventh on eighth century the seeds of present punjabi were sown. Upto 1000AD Punjabi developed under the shadow of aphransh after which it evolated to its polished form. In the eleventh century it became the literary language used as a medium of expression by masud saad salman, and in thirteenth entury by Baba Fari Shakarganj. It was then owned by Sufis. (S.N. java, p.46)

اینجا این چیز هم یاد داشته باشیم که زندگی ادبی زبان از زندگی لسانی اش همیشه کوتاه است. زبان پنجابی از قرنها موجود بود، اما باقاعده شکل ادبی از شاعری بابا فرید دیده می شود. مثالهای واژگان مشترک پنجابی و فارسی را ببینید.

(احمد شهزاد، ۲۰۱۹، صص ۱۴۲-۱۳۹-۱۴۲)

فارسی	پنجابی
پنجاب	پنجاب
پنجابی	پنجابی
آتش	آتش
پدر	پدر
جام	جام

فارسی	پنجابی
خدا	خدا
شاد	شاد
شادی	شادی
گلاب	گلاب
دوپهر	دوپهر
ناخن	ناخن
یخنی	یخنی
رن	رن
خوشی	خوشی
چربی	چربی
چادر	چادر
زهر	زهر
سمندر	سمندر
کشته	کشته
ناشاد	ناشاد

بعد از انحطاط مغولان برای مدت کوتاه در پنجاب دولت سیک قائم شد. بعد از آن در سال ۱۸۴۹م پنجاب به دست انگلیس ها افتاد که آنان ۹۸ سال حکومت کردند. بعد از گسترش زبان انگلیسی، اینجا در سطح پایینی سکهٔ زبان اردو و در سطح بالایی سکهٔ زبان انگلیسی رایج شد. همینطور از ۱۰۲۱ الی ۱۸۴۹م تقریباً مدت ۸۲۸ سال وقتی به پنجاب اثراتِ فارسی شروع شد و به انتها

۵۰ احمد شہزاد، محمد احسان/پیشینہ لسانی پنجاب

رسید، در این مدت بیشتر آن زمانی است کہ زبان فارسی بہ سبب زبان دولتی ہر جا معروف بود. (احمد شہزاد، ۲۰۱۹م، ص ۱۲۴)

کتاب شناسی و منابع:

- آصف خان، محمد (بی۔تا)، نیک سیک تے ہور نیک سک، پاکستان پنجابی ادبی،
بورڈ، لاہور

- احمد شہزاد (۲۰۱۹م)، پنجابی لسانی رابطے، زرشا پبلیشر، لاہور

- اقبال صلاح الدین (۱۹۸۸م)، تاریخ پنجاب، عزیز بک دیو، لاہور

- شرف الدین اصلاحی (۱۹۷۶م)، اردو سندھی کے لسانی روابط، نیشنل بک
فائونڈیشن، لاہور

- فرید کوتی، عین الحق (۲۰۲۰م)، مترجم احمد شہزاد، پنجابی لسانی سانچہ،
سانچہ پبلیشر، لاہور

- مظہر معین دکنٹر (۲۰۰۳م)، پاکستان میں عربی زبان مرکز الشیخ زید الاسلامی
جامعہ پنجاب، لاہور

- Grierson, G.A (1917) the home of Literary Pali commemoration Essays
presented to R.G Bhandokar, Poona.

- K.N Shastri (1957) New Light on India & Civilization, Dehli 1957.

- Sankalia H.D (1962) Pre-History and Proto History in India & Pakistan,
Bombay